



۲۰ هزار مدرسه فرسوده

به گفته رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، از میان ۱۰۸ هزار مدرسه کشور، ۲۰ هزار مورد فرسوده‌اند؛ یعنی احتمال ریزش و مشکل برای بچه‌های مملکت وجود دارد. به گزارش ایسنا، علیرضا منادی توضیح داد که ۱۷ میلیون دانش‌آموز در ۱۰۸ هزار مدرسه کشور تحصیل می‌کنند: «۲۰ هزار مدرسه از این مدارس فرسوده هستند یعنی احتمال ریزش و مشکل برای بچه‌های مملکت وجود دارد. همچنین در بحث گرمایش و سرمایش در خیلی از مدارس کشور مشکل وجود دارد. قطعه دوم زنجیره تامین آموزش، مدارس هستند و اگر سازمان نوسازی، مدرسه نوسازد و فقط معلم، دانش‌آموز و کتاب وجود داشته باشد، به درد نمی‌خورد و باید فضای آموزشی نیز باشد.» او اضافه کرد: «در آموزش عالی ۳/۳۵ میلیون دانشجو با ۱۰۰ هزار استاد دانشگاه وجود دارد. ۱۱ هزار شرکت دانش‌بنیان و تعداد ۱۳۶۰۰ شرکت فناوری وجود دارد.»

جلب پاسپورت مالک کوروش
کمپانی در امارات

به گزارش خبرآنلاین، رئیس کل دادگستری استان تهران در نشست مشترک با سخنگوی قوه قضائیه گفت: «پرونده کوروش کمپانی، یکی از پرونده‌های مهمی است که در مجموعه قضا در حال رسیدگی است. هفت‌ماه قبل از اینکه پرونده در دستگاه قضا تشکیل شود، متهم با استفاده از گذرنامه جعلی مربوط به تبعه افغانستانی، به همراه همسرش از ایران خارج شده و از ترکیه به کشور امارات، از امارات هم به کشور اسپانیا فرار می‌کند و مجدداً به کشور امارات برمی‌گردد.» علی القاصی مهر اضافه کرد: «این پرونده ۶۸۰۰ نفر شاکی دارد که عمدتاً هم مربوط به خرید تجهیزات تلفن همراه بوده و ۳۲۰ میلیارد تومان از شاکیان دریافت کردند. هشت نفر از کارکنان شرکت کمپانی بازداشت شدند، با کشور امارات و ایترپل مکاتبه صورت گرفته است؛ پاسپورت این فرد و همسرش توسط کشور امارات گرفته شده و حسب گزارش‌ها که دریافت کردیم، نمی‌توانند از آنجا خارج شوند و منتظر استرداد ایشان و توقیف اموال او در امارات هستیم.»



فوت سالانه ۷۰۰ نفر در حین کار

آمار اداره کل فنی بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی نشان می‌دهد، در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۵ تا ۴۷ هزار حادثه در سال، توسط این سازمان ثبت شده است. به گزارش ایرنا، حسین مشیری‌تیریزی، مدیرکل امور بین‌الملل سازمان تامین اجتماعی، درباره میزان حوادث سالیانه کار در کشور، توضیح داد: «درصد زیادی از فوت‌شدگان، نیروی جوان هستند که دچار حادثه می‌شوند و ۴۵ درصد از حادثه‌دیدگان، متأهل می‌شوند یا فوت می‌کنند.» به گفته او، سالانه بیش از ۷۰۰ نفر در کشور حین کار، جان خود را از دست می‌دهند که روزانه شامل ۲ تا ۳ نفر می‌شود، این در حالی است که ۴۵ درصد از حادثه‌دیدگان متأهل هستند.

پیچیدگی زیستن در قومیت‌ها

روایت
زنانگفتارهایی درباره
وضعیت زندگی زنان
عرب، بختیاری و ترکمن
که مشکلات شان کمتر
به گوش دیگران می‌رسد

عکس: ایرنا



الناز محمدی

دبیر گروه جامعه

زنان در اقلیت‌های قومی ایران کجا ایستاده‌اند، مشکلات‌شان چیست و چقدر توانسته‌اند از مسائل‌شان صحبت کنند؟ اینها سوال‌هایی است که چندسالی می‌شود به گفتمان تلاش‌های ضد تبعیض در جنبش حقوق زنان راه پیدا کرده و البته موجب نقدهای درون‌گفتمانی در این باره هم شده است. فعالان حقوق زنان که خودشان اهل قومیت‌های مختلف در ایرانند، سال‌هاست درباره مرکزگرایی فعالان اجتماعی هشدار می‌دهند و می‌گویند برای بهتر کردن وضعیت زنان در ایران، نباید زنان قومیت‌های مختلف را که صدای کمتری دارند، فراموش کرد. بسیاری از پژوهشگران که خود جزو اتنیک در ایرانند، معتقدند که زنان در قومیت‌های مختلف مانند عرب، بلوچ، بختیاری و... تحت ستم‌های چندگانه‌اند؛ از جمله مشکلات جنسیتی، طبقاتی و... و برای همین هم است که از مشکلات و پیچیدگی‌های بیشتری رنج می‌برند؛ مثل امکانات محدودتر تحصیلی و اشتغال، شکاف جنسیتی عمیق‌تر، تبعیض اتنیک و...

همین مسائل، دستمایه برگزاری نشست در موسسه رحمان شد تا پژوهشگرانی با این دغدغه‌ها از قومیت‌های مختلف، از آنها حرف بزنند؛ نشستی با عنوان «تقاطع تبعیض». این نشست با حضور فعالان اجتماعی و اقتصادی زنان از استان خوزستان و گلستان برگزار شد؛ پونه پیل رام، شیدا دانیانیان و آرمان گوهری نسب.

شیدا دانیانیان، دکترای مدیریت استراتژیک، کارآفرین و فعال حقوق زنان در خوزستان در این نشست درباره زنان عرب صحبت کرد؛ در ارائه‌ای با عنوان «تقاطع تبعیض جنسیتی و قومیتی». او ابتدای سخنانش گفت: «درباره تبعیض جنسی و جنسیتی در قوم عرب باید بگویم همه تبعیض‌هایی که در باره دیگر مردم هست، برای مردم عرب هم وجود دارد اما آنچه اضافه بر این تبعیض‌های قانونی و اجتماعی هست و آثار آن را مضعاف می‌کند، این است که توجه نکردن به خصوصیات منطقه، موجب افزایش فشار اجتماعی به زنان شده است؛ اول، ترک تحصیل است. ترک تحصیل به دلیل دوزبان بودن و وجود نداشتن آموزش به زبان مادری، به شدت بر ترک تحصیل دانش‌آموزان در منطقه تأثیر گذاشته و آمارها در این باره تکان‌دهنده است. دوم، نبود امکان برای تحصیلات عالی است؛ در میان قوم عرب، زنان دارای تحصیلات عالی به‌زیادی وجود دارد، به‌عنوان مثال زنان خط‌شکن زیادی داشته‌ایم در اتاق بازرگانی که اولین زنی که رئیس آن شد، از قوم عرب بوده و در استان خوزستان. از طرف دیگر می‌توانیم بگویم شهر اهواز، جزو اولین شهرهایی بوده است که توانسته زنان راه‌شورای شهر بفرستد. اما واقعیت این است که بیشتر زنان از تحصیلات عالی محرومند و دلیلش هم این است که تعداد کمتری از خانواده‌های عرب حاضرند دختران‌شان در دانشگاه‌های شهرهای دور تحصیل کنند.»

این پژوهشگر در ادامه گفت که متأسفانه برنامه‌ریزان مرکز نشین، غافل از این تفاوت‌های اجتماعی‌اند و هیچ‌گونه تمهیدی برای حل این مشکل در نظر نمی‌گیرند. برای مثال می‌شود سهمیه بومی دانشگاه‌های موجود برای زنان را به حداکثر رساند، یعنی خیلی راحت می‌شود این مشکل را حل کرد: «سومین مسئله، بهره‌مند

نبودن از حقوق قانونی به‌دلیل تقویت جایگاه قبیله‌ای است. با وجود ضعف‌های فراوانی که قانون در حمایت از زنان دارد اما همین قانون هم ظرفیت بالایی دارد برای زن عرب خوزستانی، ولی آنچه در منطقه از سوی دستگاه‌های قضایی و انتظامی روی می‌دهد، این است که درباره مسئله‌ای که به حقوق زنان مرتبط می‌شود، در برابر زورگویی‌های برخی قبایل نسبت به دختران خودشان چشم‌پوشی می‌کنند و تحت‌عنوان صلح و اختلاف، بعضی قواعد عرفی جایگزین قوانین مترقی و نیمه‌مترقی می‌شود؛ اگر زنان مسئله‌ای داشته باشند و به قانون مراجعه کنند، به‌عنوان یک زن عرب که قومی و قبیله‌ای است، قانون حامی‌اش نیست. چرا؟ به‌بهانه صلح و سازش، او را به قوم و قبیله‌اش ارجاع می‌دهند و اتفاقاتی می‌افتد که نباید بیفتند. در عوام معمولاً قوانین برای زنان، اشد است و این یکی از مسئله‌هایی است که باید روی آن کار شود.»

به اعتقاد دانیانیان، قانون ضعف دارد اما همین قانون فعلی هم می‌تواند پیشگیری‌کننده از خیلی مسائلی باشد که به امور زنان مربوط است؛ حداقل به‌عنوان یک زن عرب: «چهارمین مسئله، وجود نداشتن ارتباط دستگاه‌های حکومتی مرتبط با حقوق زنان و کم‌کارسازدن به آنهاست. از طرف دیگر انجمن‌های زنان به‌ندرت با زنان عرب ارتباط می‌گیرند و دغدغه‌های آنها را دنبال می‌کنند؛ دغدغه‌هایی که با دیگر زنان متفاوت است. این زنان درگیر مسائلی‌اند که برای زنان دیگر اقوام، فرق دارد. خیلی از بدیهیاتی که برای دیگران یک موضوع عادی و طبیعی است، برای زن عرب هنوز آرزو و دست‌نیافتنی است. چرا انجمن‌ها و فعالان حقوق زن، با زنان عرب خوزستان ارتباط نمی‌گیرند؟ وقتی هم انجمنی وارد خوزستان می‌شود، چون غیرهم‌زبان است، باز هم زن عرب نادیده گرفته می‌شود؛ این اتفاق به‌دلیل استفاده از کارمندان غیربومی است که نمی‌توانند با زنان عرب ارتباط بگیرند. باید به این زنان رسیدگی شود.» او در ادامه پرسید، چاره چیست؟ آیا فقط همدردی، چاره است؟ «نهادهای حکومتی زنان با زنان عرب ارتباط نمی‌گیرند. ما از زنان عرب کف اجتماع حرف می‌زنیم. زن عرب هیچ جایی در دولت‌ها ندارد و حمایتی هم ندارد؛ برای همین زنان عرب از حقوق شهروندی و اجتماعی خودشان بی‌اطلاعند، چه برسد به اینکه بخواهند مطالبه‌گری کنند که آن هم در نطفه خفه می‌شود. حتی آموزش‌ها در حد مدرسه، آموزش‌های شهروندی، حقوقی، سلامت و بهداشت زنان به زبان مادری‌شان نیست. ما اینجا خیلی از زنان را داریم که نمی‌توانند به زبان فارسی صحبت کنند. این زنان حتی بلد نیستند چطور خودشان را برای پیشگیری‌های سرطان پستان معاینه کنند؛ چون به زبان خودشان آموزش ندیده‌اند. این مسئله موجب می‌شود، اعتمادبه‌نفس این زنان دچار مشکل شود. در مناطق روستایی، بچه تا شش سالگی در خانه است و تابه‌حال به زبان فارسی صحبت نکرده و بعد وارد مدرسه می‌شود. معلمی هست که او هم نمی‌تواند به زبان غیرفارسی صحبت کند و هر دو طرف عصبی می‌شوند. آمارهای ترک‌تحصیل بچه‌ها در همان دوره ابتدایی به‌شدت بالاست.»

به اعتقاد این پژوهشگر، زنان عرب، بدیهی‌ترین‌ها را ندارند. برای آنها اولویتی وجود ندارد و اولویت‌هایشان با زنان مرکز نشین فرق دارد: «برای قوم من، اولویت، حق نفس کشیدن است. حق تامین مایحتاج بچه‌هاست. حق قانونی برای احقاق حقوق شهروندی است. وقتی من در ابتدایی‌ترین نیازهای هر روزم از مردم سوالی می‌کنم، افراد کشور هم صداهایم، برای مطالبه مسائل اجتماعی.»

زنان عشایر بختیاری، روایتگران قدرتمند

پونه پیل رام، فعال اجتماعی و اقتصادی حوزه زنان، یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود که از حق روایتگری زنان بختیاری گفت. او ابتدای سخنانش گفت: «من می‌خواهم از موضوع دیگری صحبت کنم که شاید به‌نحوی، پاسخی به این چراها باشد. اینکه چرا در بیشتر اقوام، این مسائل وجود دارد، به‌ویژه قوم بختیاری که من تجربه زیسته در آن دارم. حق روایتگری موجب می‌شود هر زنی این فرصت را پیدا کند که از اتفاقی که برایش می‌افتد، بتواند حرف بزند. در قوم بختیاری، زنان روایتگران خیلی خوبی‌اند و به این معروفند که داستان می‌گویند و این داستان‌ها سینه‌به‌سینه نقل شده و به نسل‌های مختلف رسیده است؛ مثلاً داستان‌های عاشقانه‌ای که زن در آنها هجرانی را تحمل کرده، روایت می‌کنند.»

پیل رام در ادامه گفت که موضوع دیگر، خون‌بس است که من به‌طور اختصاصی روی آن کار کرده‌ام؛ مادر بزرگ من درباره خون‌بس روایت‌هایی را از نزدیکانش می‌گفت که متعلق به سال‌های دور بود و روایتگری توانسته بود کمک‌کننده باشد: «در ماجرای خون‌بس، مشکل ما هم در قوم عرب، هم بختیاری است و الان کم شده است. یکی از دلایل این کم‌شدن، روایتگری زنان است. من خون‌بس را در قوم عرب و عشایر بختیاری و قشقایی بررسی و در خوزستان با ۶۰ زن جوان که در گذشته خون‌بس شده‌اند و چند زن که اخیراً این اتفاق برایشان افتاده، صحبت کرده‌ام. خون‌بس یعنی در اتفاقی بین دو قبیله، زن، وجه‌المصالحه می‌شود؛ یعنی بین دعواکنندگان برای سازش، زن را می‌آورند و می‌گویند دختری از خود ما به شما داده می‌شود. واقعیت این است که وقتی این اتفاق می‌افتد، زن خون‌بس یا در زبان عربی فصلیه، از خیلی حقوق محروم می‌شود؛ اولین آنها این است که بچه‌اش حق ندارد با بچه‌های دیگر بازی کند. با قدم‌های زن حق نداشتند با دیگران سر یک سفره بنشینند؛ بقیه غذا را می‌خورند و اگر غذایی اضافه می‌آمد، از آن می‌خورند. خون‌بس رسم بسیار ظالمانه‌ای است که اتفاقاً اسلام هم آن را منع کرده اما خوب انجام می‌شده است. الان خوشبختانه یکی از دلایل کم‌شدن این رسم این است که راجع به آن روایتگری شده است. از حق روایتگری استفاده شده و زنان قومی، به‌ویژه قوم بختیاری که به‌شدت زنان سخنگوری دارد، درباره آن صحبت کرده‌اند.»

این فعال حقوق زنان گفت که حق روایتگری می‌تواند کژی‌های اجتماعی‌راه‌بازگذاشته‌ها را نشان دهد؛ یعنی وقتی از یک اتفاق بد روایتگری داریم، قانون‌گذار هم می‌تواند از این نیروی اجتماعی که وارد می‌شود، استفاده کند ولی چرا در جوامع به بیان حق پرداخته نمی‌شود؟ «یکی از راه‌های روایتگری این است که زنان، رسانه‌هایی از خودشان داشته باشند که بتواند مسائل آنها را بررسی کند. راه دیگر این است که زنان دسترسی به اطلاعاتی در سازمان‌های مدنی داشته باشند که شبکه‌ای برای آنها بسازد و از همه مهمتر، مسائل اقتصادی است؛ زنانی که می‌خواهند روایتگری کنند، باید از وضع اقتصادی مناسبی برخوردار باشند تا بتوانند روایتگری‌شان را تقویت کنند.»

به اعتقاد پیل رام، در قوم بختیاری، حمایت اجتماعی از زن در عشایر، بهتر از دیگر اقوام است؛ به این دلیل که زنان عشایر هم قدرت روایتگری دارند، هم تصمیم‌گیری می‌توانند بگویند که این اتفاق‌ها افتاد، مدرسه ما اینطور بود، بچه من نمی‌تواند به زبان دیگری صحبت کند و... «وقتی در عشایر از مردان سوالی می‌کنی، بیشترشان همسرشان را صدا می‌کنند و می‌گویند تویا جواب بده،